



"بیگانگان همواره خوراک را بزور از دست ما ایرانیان گرفته اند، آنرا جویده و سپس تفاله آن را بما پس داده و ما هم بدون درنگی اندیشیدن سرگرم جویدن همان تفاله می شویم!"

یکی از ابزارهایی که کشورهای استعمارگر بویژه بریتانیا از سده ۱۶ ترسایی تا به امروز بکار برده اند، تغییر نام های جغرافیایی از نام های تاریخی/بومی به نام های ساختگی می باشد که یکی از نمونه های بارز آن تغییر نام "دریای پارس" به "دریای عمان" و "دریای عرب" است. [1] شواهد و مستندات تاریخی نشان می دهند که این تغییر نام از سوی بریتانیایی ها در سده ۱۹ ترسایی و پس از شکست ایران از روس ها و سواستفاده از ضعف و خواری رژیم قاجاریه صورت گرفته است که در سطور زیر بگونه ای فشرده ارائه می گردد.

تاریخچه "دریای پارس" پیش از عمان شدن

گائاه‌ها^۱ یا سروده های اشوزرتشت که کهنترین بخش اوستا و دیرینگی آن به هزاره دوم پیش میلاد می رسد، کهنترین سندی تاریخی-جغرافیایی می باشد به خلیج فارس و دریای پارس اشاره می کند. براساس متون اوستایی نام اصلی خلیج فارس «دریای پوئی تیک»، «پوئی دیک» و «پودیک» و دریای پارس «سدویس» بوده است که به «فراخکرت» (اقیانوس هند) می پیوسته است برای نمونه در وندیداد (فرگرد ۵، بند ۱۸) می گوید: «من اهورامزدا، آب ها را بر مردارها و دخمه ها و بازمانده های چرکین و استخوان ها روان می کنم؛ آنگاه من، اهورا مزدا آب ها را پنهانی باز می گردانم؛ من اهورا مزدا، آب ها را به دریای پوئی تیک (خلیج فارس) باز می گردانم.»

و کتاب بندهش (۱۳۶) گزارش می دهد که در آغاز هزاره ۱ پس از تازش اهریمن بر زمین و آسمان، ایزد تیشتر با جامی که را از آب هایی که در آغاز آفرینش توسط اهورامزدا آفریده شده بوده است، پر کرده تا باد آن را به آسمان برده و بر زمین بباراند. در پی این باران بزرگ، زمین غمناک و به هفت پاره می شود و هر پاره ای سرزمینی می شود و پاره بزرگی که به اندازه همه شش پاره دیگر بود و در میان آن شش پاره قرار داشته است را «خونیرس» (خنیرس و خنیره) نام می نهد. چون ایزد تیشتر بر زمین باران آورده بوده است، نخست دریای فراخکرت (اقیانوس هند) را از آن پدید می آید که یک سوم زمین را در بر دارد. پس از آن تیشتر چند دریای دیگر نیز بر زمین پدیدار می کند، در جنوب «پوئی تیک» (خلیج فارس) و «دریای سدویس» (پارس) و در غرب «کم رود» (کاسپین) «سیاه بن» (دریای سیاه).

ایرانیان در سده های دیرتر نام های پوئی تیک (خلیج فارس) سدویس (پارس) را بدست فراموشی سپرده و در زمان هخامنشیان به سرتاسر آب های امپراتوری خود را «دریای پارس» نامیدند که خلیج فارس امروزی و بخشی از اقیانوس هند، دهانه خلیج عدن و بابالمندب را در بر می گرفته است. این نام نه تنها در کتیبه داریوش بزرگ در بیستون ضبط شده است بلکه استرابون، جغرافیدان رومی نیز در کتاب پرسیس (۱۶.۳.۷)، آبهای خاور شبه جزیره عربستان را 'دریای پارس' ثبت کرده است. [[2]]

در دوران فراساسانی نام دریای پارس همچنان زنده و دریایمیان مسلمان/تازی نام "دریای فارس" که محیط بر مناطق عربی بوده و از عدن تا آب های زیر بلوچستان پاکستان و اروندرود ادامه داشته است ضبط کرده اند. نیز اقیانوس هند، به نام "دریای هند" تبدیل می شود که از دهانه رودخانه سند آغاز و هم مرز "دریای فارس" بوده است. در تائید آن ابن حوقل در سفرنامه خود دریای پارس را بزرگترین دریا نامیده و می نویسد که "تا دورترین نقطه هند نیز دریای پارس نام دارد."

بهر روی، بکاربری نام دریای پارس از سوی اروپائیان، بویژه انگلیسیها تا زمان قاجاریه رواج داشت [3، 4] و هر چند که نام رسمی و شناخته شده ای بود، ولی در برخی از نقشه های سده هژدم (هیجدهم!) میلادی، بنام های "دریای هرمز"، "خلیج هرمز" و "دریای پاراگون" (به معنی 'بهترین دریا') نیز ضبط شده است که بخش شمالی آن را دریای مکران و نیز دریای کرمان می خواندند.

ذیح بهروز درباره پیشینگی نام مکران با بهره وری از دانش زبانشناسی و اشکافی کرده است که واژه ایست تخریبی و ریشه گرفته از "کرمان" یا همان "گرمانیا" ی هخامنشی می باشد. "گرمانیا" نام یکی از اقوام پارسی و نام چهاردمین ساتراپ امپراتوری هخامنشی بوده است که واقع در شمال دریای پارس و از رأسالکوه در باختر جاسک آغاز و تا لاس بلا در جنوب خاوری ایالت بلوچستان پاکستان امروزی ادامه داشته است. بنابراین، همانگونه که در همه مستندات تاریخی، جغرافیایی و دایره المعارف های بزرگ جهان آب های جنوب ایران (از پیوستگاه اروندرود تا تنگه هرمز) خلیج فارس ثبت شده است، نیز پهنه آبی که از تنگه هرمز آغاز و به اقیانوس هند پایان می یافته است، "دریای پارس" و بخش شمالی آن "دریای کرمان/مکران" شناخته می شده است.

از تحریف تا رسمی سازی از سوی انگلستان و در خواب بودن ایرانیان

سرآغاز تحریف نام های "دریای پارس" و بخش شمالی آن "کرمان/مکران" و تبدیل آنها به نام های ساختگی دریای عمان و دریای عرب، با ورود بریتانیا به خلیج فارس و در زمان فتحعلی قجر و دستگذاری بر روی سرزمین های ایرانی در بخش جنوبی آب های خلیج فارس، بویژه نیمه □ شمالی عمان امروزی و آبخوست های میشماهیگ (جزایر بحرین) که بخشی از خاک ایران بودند آغاز گشت. [۵] ولی در زمان سلطنت ناصرالدین قجر بود که بریتانیا بخش جنوبی ایران (بویژه استان های امروز سیستان و بلوچستان و خوزستان) را در اشغال خود داشت و در پی آن بود که کشوی نویی به نام "ایرانی جنوبی" پیاسازد، با چاپ یک سری کتاب بزبان های انگلیسی و تازی نام دروغین و ساختگی "دریای عمان" و "دریای عرب" را بدون اعتراض رژیم قاجاریه رسماً جایگزین "دریای پارس" و دریای کرمان/مکران" ساخت. البته این حرکت حساب شده استعماری با مقاومت سرسختانه میرزا تقی خان امیرکبیر روبرو شد، ولی با از کُشتن شدنش بدستور دولت بریتانیا نه تنها دیگر سدی در برابر تغییر نام نماند بلکه این نام دروغین با نیرنگ و فشار بر ایران بصورت رسمی پذیرفته و در کنار دریای مکران و ادامه آن به دریای عرب که تا زمان احمدشاه قاجار و سقوط سلسله قاجاریه ادامه داشت بکار برده می شد.

پس از سرنگونسازی رژیم ناشایست قاجاریه و آزادسازی و یکپارچه سازی ایران بدست رضاشاه بزرگ و اخراج نیروهای انگلیسی از ایران که نام اصلیشان "ارتش تفنگداران ایران جنوبی" بود، ولی خود را "پلیس جنوب" می خواندند، دستور بازگرداندن و بکارگیری نام های پیشین و تاریخی دریای مکران/کرمان را به جای دریای عمان داده شد. شوربختانه با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی دولت های بیگانه بویژه بریتانیا این حرکت ملی در بطن خفه گشت و تا به امروز این دو نام دروغین نه تنها در کشورمان بطور رسمی بکار برده می شوند، بلکه نام های اصلی و ایرانی آنها بدست بفراموشی سپرده شده، تا بدانجایی که امروز کمتر ایرانی می باشد که از هویت و نام تاریخی "دریای پارس" آگاهی داشته باشد.

آبخوست بوموسو قربانی دیگر

البته دستبردن در نام های جغرافیای ایران ویژه و محدود به دریای پارس نمی شود و نمونه دیگر آن 'آبخوست':جزیره] بوموسو' یا 'گپ سبز' است که امروزه 'بوموسی' خوانده می شود.

دولت بریتانیا در سال ۱۹۰۸ ترسای و پس از اشغال گپ سبز و (بهمراه دو تنب بزرگ و کوچک) و جداسازی آن از ایران شماری از تازیان را از "خمکناره" دزدان دریایی " (امارات امروزی) و یمن به آنجا وارد ساخت و برای آنکه موجب قطع پیوند تاریخی آن آبخوست با ایران شود، آن را به نام جعلی "ابوموسی" تغییر داد. شوربختانه، بروال گذشته دوباره ما ایرانیان ندانسته و بدون اندیشیدن از بریتانیا پیروی کرده و مانند اشغالگران دیروزی، این جزیره کهنسال ایرانی را "ابوموسی" می خوانیم.

نماوژه "بوموسو" در اصلی پارسی سیستانی و ساختاری از دو واژه "بوم" یعنی "سرزمین/کشور"، با پسوند "و" = کوچک (سرزمین کوچک) و واژه "سو"، کوتاه شده "سوز" پارسی (از گویش پارسی سیستانی) بمعنی "سبز" می باشد. نام دیگر این آبخوست: جزیره ایرانی "گپ سبز" است، که دوباره به همان معنی بوموسو بوده و ساختاری از دو واژه "گپ" (در زبان بلوچی به معنی سرزمین) و "سبز" + - پسوند "و" (کهنتر)، که در کل معنی آن می شود "سرزمین سبز کوچک".

آیا نام "خلیج فارس" قربانی بعدی خواهد بود؟

شوربختانه امروز نیز بیگانگان با همان شیوه گذشته در تلاشند تا با تحریف نام "خلیج فارس" (شخاب پارس) و با جا اندازی و رواج دادن نام جعلی و دروغین خلیج ع-ی، یا خلیج بدون پسوند "فارس" آن را رسمی ساخته تا در گام بعدی که ملیت سازی و تجزیه ایران سرانجامد و با دست گذاری بر روی استان های جنوبی ایران بویژه استان خوزستان، آن ها را به مالکیت خود در آورند. جای دارد تا اشاره شود، دولت بریتانیا تا به امروز بخش های جنوبی ایران که تا پیش از رضاشاه بزرگ آن ها را در اشغال خود داشت (شامل استان های خوزستان، بوشهر، لرستان، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد و بخش هایی از استان های کرمانشاه، کردستان، همدان، مرکزی، قم، اصفهان، چارمحال بختیاری، فارس، و هرمزگان) را بخشی از خاک و مستعمره (!) خود بشمار آورده و همچنان پنهانی در تلاش است تا آن بخش ها را از ایران جدا کرده و کشورک نویی به نام "الاحواز" که در دست تازیان و تحت تسلط خود باشد بپا سازد.

در هر روی، طبیعتاً از رژیم کنونی حاکم بر کشورمان که مانند رژیم قاجاریه یک رژیم غیرایرانی و ایرانستیز (ضدایرانی) [[6]] نمی توان انتظار داشت یا درخواست نمود تا در راستای منافع ملی ایران گام بردارد، در نتیجه این وظیفه ملی همه □ ایرانیان است تا در زمان نام بردن از پهنه آبی جنوب خاوری ایران از نام درست و تاریخی "دریای پارس" و نیز بجای ابوموسی نام درست و ایرانی آن که 'بوموسو' یا 'گپ سبز' است را بکار برده و این ستم تاریخی را برای همیشه از رخسار سیاسی و جغرافیایی کشورمان بزدایند.

شاپور سورنپهلو

۱۳۸۰ مردادماه

July 2001

پی نوشت ها

1 - یکی دیگر از نمونه های بارز آن 'جزایر مالویناس' است که بیدرتنگ پس از اشغال و تجربه از آرژانتین به 'جزایر فالکلند' تغییر نام داد و امروز در اکثر کشورهای جهان بدین نام نیز شناخته می شود.

2. Kramers, J.H., "La question Balkhi-Istahri-Ibn Hawkal et l'Atlas de l'Islam", *Acta Orientalia* 10 (1932): 9-30.

3. https://www.press.uchicago.edu/books/HOC/HOC_V2_B1/HOC_VOLUME2_Book1_chapter5.pdf

4. "Arabian-China Trade", *The Asiatic Journal and Monthly Miscellany*, East India Company. (London) 1819, Volume 8, p. 586

5. J. B. Kelly, *Britain and the Persian Gulf*, Oxford, 1968. R. G. Landen, *Oman Since 1856*, Princeton, 1967.

6 - واژه "ایرانستیز" که آمیزشی از دو واژه □ "ایران" و "ستیز" است را این نگارنده در سال ۱۹۹۰ ترسایی برابر اصطلاح انگلیسی 'Iranian-anti' ساخته و برای نخستین بار در مقاله ای در روزنامه "اعدام" با مدیریت آقای حاجیلو بکار برده است.

چرا و چگونه بریتانیا نام "دریای پارس" را به نام های ساختگی "دریای عمان" و "دریای عرب" تغییر نام داد؟

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
دوشنبه ۰۱ مرداد ۱۳۸۰ ساعت ۱۳:۰۵

#419ab3

□